



[shariatkhoda.org](http://shariatkhoda.org)

## شریعت خدا: ضمیمه ۲: ختنه و مسیحی

**ختنه: فرماتی که تقریباً تمامی کلیساها آن را لغو شده می‌دانند**

در میان تمامی احکام مقدس خدا، ختنه به نظر می‌رسد تنها فرمانی باشد که تقریباً تمامی کلیساها به اشتباه آن را لغو شده می‌دانند. این توافق نظر آن قدر گسترده است که حتی رقبای دیرینه دکترینال—مانند کلیسای کاتولیک و فرقه‌های پروتستانی (مجمع خدا، ادونتیست‌های روز هفتم، بپتیست‌ها، پرسبیتی‌ها، مندیس‌ها و غیره)—و همچنین گروه‌هایی که اغلب به‌عنوان فرقه‌ها شناخته می‌شوند، مانند مورمون‌ها و شاهدان یهوه، همگی ادعا می‌کنند که این فرمان در زمان صلیب باطل شده است.

**عیسی هرگز آموزش نداد که این فرمان لغو شده است**

دو دلیل اصلی وجود دارد که چرا این باور میان مسیحیان بسیار رایج شده است، با وجود اینکه عیسی هرگز چنین آموزه‌ای را تعلیم نداد و تمامی حواریون و شاگردان عیسی این فرمان را رعایت می‌کردند—از جمله پولس، که نوشته‌های او اغلب توسط رهبران مذهبی برای “رهایی” غیریهودیان از این حکم، که خود خدا تعیین کرده است، استفاده می‌شود.

این در حالی است که هیچ پیشگویی‌ای در عهد عتیق وجود ندارد که نشان دهد با آمدن مسیح، قوم خدا—چه یهودیان و چه غیریهودیان—از اجرای این فرمان معاف خواهند شد. در واقع، از زمان **ابراهیم** تاکنون، ختنه همواره برای هر مردی که می‌خواست بخشی از قوم برگزیده خدا برای نجات باشد، لازم بوده است، خواه از نسل ابراهیم باشد یا نه.

**ختنه به‌عنوان نشانه پیمان ابدی**

هیچ‌کس بدون ختنه نمی‌توانست به‌عنوان بخشی از جامعه مقدس (جدا شده از سایر ملت‌ها) پذیرفته شود. ختنه نشانه فیزیکی پیمان بین خدا و قوم ممتاز او بود.

علاوه بر این، این پیمان محدود به یک دوره زمانی خاص یا به نسل زیستی ابراهیم نبود؛ بلکه شامل تمامی غیریهودیانی نیز می‌شد که می‌خواستند رسماً در جامعه خدا پذیرفته شوند و نزد خدا برابر شمرده شوند. خداوند به‌وضوح اعلام کرد:

«این تنها برای کسانی که در خانه تو متولد شده‌اند نیست، بلکه برای غلامانی که از بیگانگان خریده‌ای نیز می‌باشد. چه در خانه تو متولد شده باشند و چه با پول خریداری شده باشند، آن‌ها باید ختنه شوند. پیمان من در بدن شما یک پیمان ابدی خواهد بود» (پیدایش ۱۲: ۱۷-۱۳).

## غیریهودیان و الزام ختنه

اگر واقعاً غیریهودیان نیازی به این نشان فیزیکی برای پیوستن به قوم مقدس خدا نداشتند، هیچ دلیلی وجود نداشت که خدا ختنه را قبل از آمدن مسیح ضروری بداند اما بعد از آن نه.

### عدم وجود هیچ پیشگویی برای این تغییر

برای اینکه این ادعا حقیقت داشته باشد، باید در کتاب‌های پیامبران شواهدی برای آن وجود داشته باشد، و عیسی نیز باید به ما اطلاع می‌داد که این تغییر پس از عروج او صورت خواهد گرفت. اما در عهد عتیق هیچ اشاره‌ای به ورود غیریهودیان به قوم خدا وجود ندارد که نشان دهد آن‌ها از هیچ حکمی، از جمله ختنه، معاف خواهند بود، صرفاً به این دلیل که از نسل زیستی ابراهیم نیستند.

## دو دلیل رایج که کلیساها برای نادیده گرفتن این فرمان الهی ارائه می‌دهند

### دلیل اول: کلیساها به اشتباه تعلیم می‌دهند که فرمان ختنه لغو شده است

اولین دلیلی که کلیساها برای لغو شریعت ختنه ارائه می‌دهند—بدون اینکه مشخص کنند چه کسی آن را لغو کرده است—این است که اجرای این حکم دشوار است. رهبران کلیسا نگرانند که اگر حقیقت را بپذیرند و آموزش دهند—اینکه خدا هرگز دستوری برای لغو آن نداده است—بسیاری از اعضای خود را از دست خواهند داد.

به‌طور کلی، اجرای این فرمان واقعاً دشوار است. همیشه این‌گونه بوده و همچنان هست. حتی با پیشرفت‌های پزشکی، یک مسیحی که تصمیم به اطاعت از این حکم بگیرد، باید یک پزشک متخصص پیدا کند، هزینه را شخصاً بپردازد (زیرا بسیاری از بیمه‌های درمانی این هزینه را پوشش نمی‌دهند)، تحت عمل جراحی قرار بگیرد، عوارض پس از عمل را تحمل کند و با فشار اجتماعی روبه‌رو شود، از جمله مخالفت خانواده، دوستان، و کلیسا.

### شهادت شخصی

یک مرد باید حقیقتاً مصمم باشد که این فرمان خداوند را اطاعت کند تا آن را انجام دهد؛ در غیر این صورت، به‌راحتی منصرف خواهد شد. تشویق به ترک این مسیر بسیار زیاد است. من این را می‌دانم زیرا خودم در سن ۶۳ سالگی در اطاعت از این فرمان ختنه شدم.

## دلیل دوم: سوءتفاهم در مورد تفویض یا اجازه الهی

دلیل دوم، و مطمئناً اصلی‌ترین دلیل، این است که کلیسا درک درستی از تفویض یا مجوز الهی ندارد. این سوءتفاهم در اوایل دوران مسیحیت توسط شیطان مورد سوءاستفاده قرار گرفت، هنگامی که تنها چند دهه پس از عروج عیسی، رقابت‌ها برای قدرت در میان رهبران کلیسا آغاز شد، که در نهایت به این نتیجه عجیب ختم شد که خدا اختیار تغییر هر بخش از شریعت خود را به پطرس و جانشینان ادعایی او واگذار کرده است.



به محض اینکه عیسی به سوی پدر بازگشت، شیطان شروع به تأثیرگذاری بر رهبران کلیسا کرد تا غریبه‌دیان را از فرمان‌های جاودانه خدا دور کند.

این انحراف تنها به ختنه محدود نشد، بلکه بسیاری از احکام دیگر عهد عتیق را نیز تحت تأثیر قرار داد—احکامی که عیسی و پیروانش همواره به‌طور کامل به آن‌ها پایبند بودند.

### اختیار بر شریعت خدا

کلیسا، تحت تأثیر شیطان، این حقیقت را نادیده گرفت که هرگونه تفویض اختیار بر شریعت مقدس خدا باید مستقیماً از سوی خود خدا صورت گیرد—یا از طریق پیامبران او در عهد عتیق، یا از طریق مسیح.

اینکه انسان‌های معمولی خود را مجاز بدانند که چیزی به این ارزشمندی در نظر خدا را تغییر دهند، غیرقابل تصور است. هیچ پیامبری از جانب خدا، و نه عیسی، هرگز به ما هشدار نداد که پدر پس از مسیح به هیچ فرد یا گروهی، چه داخل و چه خارج از کتاب مقدس، قدرت یا الهام خواهد داد تا حتی کوچکترین احکام او را باطل، لغو، اصلاح یا به‌روزرسانی کند. بلکه، خداوند به‌صراحت اعلام کرد که چنین کاری گناه بزرگی خواهد بود:

«چیزی به آنچه که به شما فرمان داده‌ام، اضافه نکنید و چیزی از آن نکاهید، بلکه فرمان‌های یهوه، خدای خود را که به شما داده‌ام، نگاه دارید» (تثنیه ۴:۲).

## از بین رفتن فردیت در رابطه با خدا

### کلیسا به عنوان یک واسطه غیر ضروری

یکی دیگر از مشکلات اساسی، از بین رفتن فردیت در رابطه بین مخلوق و خالق است. نقش کلیسا هرگز نباید به عنوان واسطه بین خدا و انسان باشد. اما از همان اوایل دوران مسیحیت، کلیسا این نقش را بر عهده گرفت.

به جای اینکه هر ایماندار، تحت هدایت روح القدس، به طور فردی با پدر و پسر ارتباط برقرار کند، مردم کاملاً به رهبران خود وابسته شدند تا به آن‌ها بگویند خداوند چه چیزی را مجاز می‌داند یا منع می‌کند.

### دسترسی محدود به کتاب‌های مقدس

این مشکل جدی عمدتاً به این دلیل رخ داد که تا زمان اصلاحات قرن شانزدهم، دسترسی به کتاب‌های مقدس امتیازی بود که فقط به روحانیون داده می‌شد. خواندن کتاب مقدس برای مردم عادی به‌صراحت ممنوع بود، با این استدلال که آن‌ها قادر به درک آن بدون تفسیر روحانیون نیستند.

### تأثیر رهبران بر مردم

#### وابستگی به تعالیم رهبران

پنج قرن گذشته است، و علی‌رغم دسترسی عمومی به کتاب‌های مقدس، مردم همچنان کاملاً به آنچه که رهبرانشان آموزش می‌دهند—چه درست و چه غلط—وابسته هستند، و ناتوان از یادگیری و اجرای مستقل آنچه که خدا از هر فرد می‌خواهد، باقی مانده‌اند.

همان تعالیم نادرستی درباره احکام مقدس و ابدی خدا که پیش از اصلاحات وجود داشت، همچنان از طریق مدارس دینی تمام فرقه‌ها به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود.

#### تعلیم عیسی درباره شریعت

تا جایی که من می‌دانم، هیچ مؤسسه مسیحی‌ای وجود ندارد که به رهبران آینده بیاموزد آنچه که عیسی به‌روشنی تعلیم داد: اینکه هیچ‌یک از احکام خدا پس از آمدن مسیح اعتبار خود را از دست نداده است: «زیرا به راستی به شما می‌گویم، تا زمانی که آسمان و زمین از میان نرود، حتی کوچکترین حرف یا کوچکترین نقطه‌ای از شریعت به هیچ وجه از میان نخواهد رفت تا همه چیز تحقق یابد. بنابراین، هر کسی که یکی از این احکام کوچکتر را کنار بگذارد و به دیگران نیز چنین تعلیم دهد، در پادشاهی آسمان کمترین خوانده خواهد شد؛ اما هر که آن‌ها را به جا آورد و تعلیم دهد، بزرگ در پادشاهی آسمان خوانده خواهد شد» (متی ۱۸: ۵-۱۹).

#### اطاعت جزئی در برخی فرقه‌ها

## پیروی گزینشی از احکام خدا

تعداد کمی از فرقه‌ها تلاش می‌کنند تا تعلیم دهند که احکام خداوند جاودانه‌اند و هیچ نویسنده‌ای در کتاب مقدس پس از مسیح هرگز بر خلاف این حقیقت چیزی ننوشته است. اما به دلایلی نامعلوم، این گروه‌ها فهرست احکامی که هنوز برای مسیحیان لازم‌الاجرا است را محدود می‌کنند.

این فرقه‌ها معمولاً بر ده فرمان تأکید دارند (از جمله شبایات، روز هفتم که در فرمان چهارم ذکر شده است) و همچنین احکام خوراکی در لاویان ۱۱، اما فراتر از این نمی‌روند.



نقاشی‌ای از قرن پانزدهم اثر هنرمند جوانی بلینی، که در آن عیسی توسط خاخامان، با حضور یوسف و مریم، ختنه می‌شود.

## ناسازگاری در گزینش

عجیب‌ترین مسئله این است که این انتخاب‌های خاص هیچ مبنای مشخصی از عهد عتیق یا چهار انجیل ندارند که توضیح دهد چرا این احکام خاص هنوز معتبر هستند، در حالی که سایر احکام مانند نگهداشتن موی سر و ریش، پوشیدن تسبیت‌سیت، یا ختنه نادیده گرفته شده یا از آن دفاع نمی‌شود.

این مسئله این پرسش را مطرح می‌کند: اگر همه احکام خداوند مقدس و عادلانه هستند، چرا برخی را اطاعت کنیم و نه همه را؟

### ختنه به عنوان نشانه پیمان

ختنه پیمان ابدی بین خدا و قوم او است—گروهی از انسان‌های مقدس که از سایر مردم جدا شده‌اند. این گروه همیشه برای همه باز بوده است و هرگز محدود به نسل زیستی ابراهیم نبوده، برخلاف آنچه برخی تصور می‌کنند.

از لحظه‌ای که خدا ابراهیم را به عنوان نخستین عضو این گروه برگزید، او ختنه را به عنوان نشانه‌ای ظاهری و ابدی از این پیمان مقرر کرد. کاملاً مشخص شد که هم نسل طبیعی ابراهیم و هم کسانی که از نسل او نبودند، اگر می‌خواستند بخشی از قوم خدا باشند، نیاز به این نشان فیزیکی پیمان داشتند.

### استفاده از نوشته‌های پولس رسول به عنوان دلیلی برای نافرمانی از احکام جاودانه خدا

#### تأثیر مارسیون بر قانون کتاب مقدس

یکی از نخستین تلاش‌ها برای گردآوری نوشته‌های مختلفی که پس از عروج مسیح ظاهر شدند، توسط مارسیون (۸۵ - ۱۶۰ میلادی)، یک صاحب کشتی ثروتمند در قرن دوم انجام شد. مارسیون یک پیرو مشتاق پولس بود، اما از یهودیان نفرت داشت.

کتاب مقدس او عمدتاً شامل نوشته‌های پولس و انجیل اختصاصی خودش بود که بسیاری آن را نسخه‌ای سرقت‌شده از انجیل لوقا می‌دانند. مارسیون تمام انجیل‌ها و رساله‌های دیگر را رد کرد و آن‌ها را غیرالهامی دانست. در کتاب مقدس او، تمامی اشاره‌ها به عهد عتیق حذف شده بودند، زیرا او تعلیم می‌داد که خدای قبل از عیسی همان خدایی نبود که پولس اعلام کرده بود.

کتاب مقدس مارسیون توسط کلیسای روم رد شد و او به عنوان یک بدعت‌گذار محکوم شد، اما دیدگاه او درباره نوشته‌های پولس رسول به عنوان تنها متون الهامی از سوی خدا، و رد کامل عهد عتیق و انجیل‌های متی، مرقس و یوحنا، پیش از آن بر عقاید بسیاری از مسیحیان اولیه تأثیر گذاشته بود.

### نخستین قانون رسمی عهد جدید در کلیسای کاتولیک

#### توسعه قانون عهد جدید

اولین قانون عهد جدید به‌طور رسمی در اواخر قرن چهارم، حدود ۳۵۰ سال پس از بازگشت عیسی به سوی پدر، شناخته شد. شوراهای کلیسای کاتولیک در رم، هیپو (۳۹۳) و کارتاژ (۳۹۷) نقش اساسی در نهایی‌سازی ۲۷ کتابی که امروزه به عنوان عهد جدید می‌شناسیم، ایفا کردند.

این شوراها در تحکیم قانون کتاب مقدس برای مقابله با تفاسیر و متون گوناگونی که در جوامع مسیحی در گردش بودند، بسیار مهم بودند.

## نقش اسقف‌های روم در شکل‌گیری کتاب مقدس

### تأیید و گنجاندن نامه‌های پولس

رساله‌های پولس در مجموعه نوشته‌هایی که در قرن چهارم توسط کلیسای روم تأیید شد، گنجانده شدند. این مجموعه، که از سوی کلیسای کاتولیک مقدس تلقی می‌شد، در لاتین به نام *Biblia Sacra* و در یونانی به نام *Tà Biblía tà ἅγια (ta biblia ta hagia)* شناخته شد.

پس از قرن‌ها بحث بر سر اینکه کدام نوشته‌ها باید در قانون رسمی قرار گیرند، اسقف‌های کلیسا عهد عتیق یهودی، چهار انجیل، کتاب اعمال رسولان (منسوب به لوقا)، رساله‌های کلیسایی (از جمله نامه‌های پولس) و کتاب مکاشفه یوحنا را تأیید و به‌عنوان متونی مقدس اعلام کردند.

### استفاده از عهد عتیق در زمان عیسی

نکته مهم این است که در زمان عیسی، تمام یهودیان، از جمله خود عیسی، تنها از عهد عتیق برای تعلیمات خود استفاده می‌کردند و به آن استناد می‌کردند. این استفاده عمدتاً بر اساس نسخه یونانی متن، معروف به ترجمه سبعینیه، بود که حدود سه قرن پیش از مسیح گردآوری شده بود.

### چالش تفسیر نوشته‌های پولس

#### پیچیدگی و سوءتفسیر

نوشته‌های پولس، مانند سایر نویسندگانی که پس از عیسی ظاهر شدند، قرن‌ها پیش در کتاب مقدس رسمی تأیید شده توسط کلیسا گنجانده شدند و از این رو، به‌عنوان پایه‌های ایمان مسیحی در نظر گرفته می‌شوند.

با این حال، مشکل نه در پولس بلکه در تفسیر نوشته‌های او نهفته است. نامه‌های او با سبک پیچیده و دشواری نوشته شده‌اند، چنانکه حتی در زمان خود او نیز این چالش شناخته شده بود (همان‌طور که در دوم پطرس ۳:۱۶ ذکر شده است)، زمانی که زمینه فرهنگی و تاریخی هنوز برای خوانندگان آشنا بود. تفسیر این متون در قرن‌های بعد، در شرایط کاملاً متفاوت، بر این دشواری می‌افزاید.

### مسئله اقتدار و تفسیرها

#### مسئله اقتدار پولس

موضوع اصلی، نه ارتباط نوشته‌های پولس بلکه اصل بنیادین اقتدار و انتقال آن است. همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد، اقتداری که کلیسا به پولس نسبت می‌دهد تا احکام مقدس و ابدی خدا را لغو، اصلاح یا به‌روزرسانی کند، هیچ تأییدی در نوشته‌های پیشین ندارد. بنابراین، این اقتدار از سوی خداوند نیست.

هیچ پیشگویی در عهد عتیق یا انجیل‌ها وجود ندارد که نشان دهد پس از مسیح، خدا مردی از طرسوس را خواهد فرستاد که همه باید به او گوش دهند و از او پیروی کنند.

## هماهنگ‌سازی تفسیرها با عهد عتیق و انجیل‌ها

### نیاز به یکپارچگی و سازگاری

این بدان معناست که هرگونه درک یا تفسیری از نوشته‌های پولس که با مکاشفاتی که قبل از او آمده‌اند سازگار نیست، نادرست است. بنابراین، مسیحی‌ای که حقیقتاً از خدا و کلام او می‌ترسد، باید هر تفسیری از نامه‌های پولس یا نویسنده‌ای دیگر را که با آنچه خداوند از طریق پیامبرانش در عهد عتیق و از طریق مسیحش، عیسی، آشکار کرده است، سازگار نیست، رد کند.

### فروتنی در تفسیر کتاب مقدس

مسیحی باید این حکمت و فروتنی را داشته باشد که بگوید: «من این بخش را درک نمی‌کنم، و توضیحاتی که خوانده‌ام نادرست هستند زیرا تأییدی از پیامبران خداوند و سخنان عیسی ندارند. آن را کنار می‌گذارم تا روزی، اگر اراده خداوند باشد، او آن را برایم روشن کند.»

## آزمایش بزرگ برای غیریهودیان

### آزمایشی از اطاعت و ایمان

می‌توان گفت که این یکی از مهم‌ترین آزمایش‌هایی است که خداوند برای غیریهودیان تعیین کرده است، آزمایشی مشابه آنچه قوم یهود در سفر خود به کنعان با آن روبرو شدند. چنانکه در تثنیه ۸:۲ آمده است: «به یاد آورید چگونه یهوه، خدای شما، در این چهل سال شما را در بیابان هدایت کرد تا شما را فروتن سازد و بیازماید تا بداند در دل شما چه می‌گذرد، که آیا احکام او را نگاه خواهید داشت یا نه.»

### شناسایی غیریهودیان مطیع

در این زمینه، خداوند به دنبال شناسایی آن دسته از غیریهودیان است که حقیقتاً مایلند به قوم مقدس او بپیوندند. این‌ها کسانی هستند که تصمیم می‌گیرند تمام احکام را اطاعت کنند، از جمله ختنه، علی‌رغم فشار شدید کلیسا و آیات متعدد در نامه‌های کلیسایی که ظاهراً نشان می‌دهند برخی از احکامی که در نوشته‌های پیامبران و انجیل‌ها ابدی توصیف شده‌اند، برای غیریهودیان لغو شده‌اند.



### یک نوع ختنه: جسمی و روحانی

مهم است که روشن شود که دو نوع ختنه وجود ندارد، بلکه فقط یک نوع وجود دارد: ختنه جسمی. باید برای همه واضح باشد که عبارت «ختنه قلب» که در سراسر کتاب مقدس استفاده شده است، کاملاً استعاری است، مانند «قلب شکسته» یا «قلب شاد».

وقتی کتاب مقدس می‌گوید که کسی «غیر مختون در قلب» است، این بدان معناست که آن فرد آن‌گونه که باید زندگی نمی‌کند—به‌عنوان کسی که حقیقتاً خدا را دوست دارد و مایل است از او اطاعت کند.

### نمونه‌هایی از کتاب مقدس

به‌عبارت دیگر، ممکن است این فرد به‌لحاظ جسمی مختون باشد، اما شیوه زندگی او مطابق با انتظارات خدا از قومش نیست. خداوند از طریق پیامبر ارمیا اعلام کرد که تمام اسرائیل در وضعیتی قرار دارند که «غیر مختون در قلب» هستند: «زیرا همه امت‌ها نامختون‌اند، و تمامی خاندان اسرائیل در قلب نامختون‌اند» (ارمیا ۲۶: ۹).

واضح است که همه آن‌ها به‌لحاظ جسمی مختون بودند، اما با رویگردانی از خدا و ترک شریعت مقدس او، به‌عنوان کسانی که در قلب نامختون‌اند، مورد داوری قرار گرفتند.

### نیاز به ختنه جسمی و قلبی

همه فرزندان مذکر خدا، چه یهودی و چه غیریهودی، باید مختون باشند—نه‌تنها به‌لحاظ جسمی بلکه در قلب نیز. این امر در این کلمات روشن بیان شده است: «این است آنچه که خداوند قادر مطلق می‌گوید: هیچ غریبه‌ای، از جمله آن‌هایی که در میان قوم اسرائیل زندگی می‌کنند، نباید وارد مقدس من شوند مگر اینکه در بدن و قلب مختون باشند» (حزقیال ۹: ۴۴).

### نتیجه‌گیری‌های کلیدی

1. مفهوم ختنه قلب همیشه وجود داشته است و در عهد جدید به‌عنوان جایگزینی برای ختنه جسمی واقعی معرفی نشده است.
2. ختنه برای همه کسانی که بخشی از قوم خدا هستند، چه یهودی و چه غیریهودی، الزامی است.



یک میکوه باستانی که برای غسل تطهیر توسط یهودیان استفاده می‌شد، واقع در شهر ورمز، آلمان.

## ختنه و تعمید در آب

### جایگزینی نادرست

برخی به اشتباه باور دارند که تعمید در آب برای مسیحیان به‌عنوان جایگزینی برای ختنه تعیین شده است. اما این ادعا صرفاً یک اختراع انسانی است، تلاشی برای اجتناب از اطاعت از فرمان خداوند.

اگر چنین ادعایی حقیقت داشت، انتظار می‌رفت که در نوشته‌های پیامبران یا انجیل‌ها آیاتی بیابیم که نشان دهد پس از عروج مسیح، خدا دیگر از غیریهودیان که می‌خواهند به قوم او بپیوندند، ختنه را طلب نمی‌کند و تعمید جای آن را گرفته است. اما هیچ‌یک از این آیات وجود ندارد.

### منشأ تعمید در آب

علاوه بر این، مهم است که بدانیم تعمید در آب پیش از ظهور مسیحیت وجود داشته است. یحیای تعمیددهنده نه «مخترع» و نه «پیشگام» این آیین بوده است.

## ریشه‌های یهودی تعمید (میکوه)

### میکوه به‌عنوان آیین تطهیر

تعمید، یا **میکوه**، مدت‌ها پیش از دوران یحیای تعمیددهنده به‌عنوان یک آیین تثبیت‌شده غسل در میان یهودیان وجود داشته است. میکوه نماد پاک شدن از گناه و نجاست آیینی بود.

زمانی که یک غیریهودی ختنه می‌شد، او همچنین یک میکوه را نیز انجام می‌داد. این عمل نه‌تنها به‌عنوان تطهیر آیینی انجام می‌شد، بلکه همچنین نماد مرگ—«دفن شدن» در آب—زندگی بت‌پرستانه گذشته بود. بیرون آمدن از آب، که یادآور مایع آمینوتیک در رحم است، نماد تولد دوباره او به‌عنوان یک یهودی محسوب می‌شد.

### یحیای تعمیددهنده و میکوه

یحیای تعمیددهنده یک آیین جدید را ایجاد نکرد، بلکه معنای جدیدی به یک آیین موجود داد. در حالی که قبلاً فقط غیریهودیان «می‌مردند» و «تولد دوباره» پیدا می‌کردند تا به یهودیت بپیوندند، یحیی یهودیانی که در گناه زندگی می‌کردند را نیز دعوت کرد تا «بمیرند» و «تولد دوباره» یابند، به‌عنوان نشانه‌ای از توبه.

اما این غسل، لزوماً یک رویداد یکباره نبود. یهودیان هر زمان که نجس آیینی می‌شدند، خود را غسل می‌دادند، مثلاً پیش از ورود به معبد. همچنین آن‌ها معمولاً—و هنوز هم امروزه—در روز یوم‌کیپور برای توبه، غسل انجام می‌دهند.

## تفکیک تعمید و ختنه

### نقش‌های متمایز این آیین‌ها

ایده‌ای که می‌گوید تعمید جایگزین ختنه شده است، نه در کتاب مقدس و نه در سنت یهودی ریشه ندارد. در حالی که تعمید (میکوه) نماد پرمعنا و ارزشمندی از توبه و پاک‌سازی است، هرگز برای جایگزینی ختنه، که نشانه ابدی پیمان خداوند است، تعیین نشده است. هر دو آیین معنای خاص خود را دارند و هیچ‌یک دیگری را نفی نمی‌کند.